

حقوق مدنی ۱

در اصطلاح حقوقی **شخص** موجودی است دارای حق و تکلیف .

از لحاظ حقوقی فقط **شخص** می تواند صاحب حق و تکلیف محسوب شود در جوامع امروز هر انسانی دارای شخصیت است ولی در گذشته برده ها فاقد شخصیت یا دارای شخصیت ناقص به شمار می آمدند و با لغو بردگی انسان دیگر موضوع حق واقع نمی شود .
شخصیت یعنی وصف و شایستگی شخص برای اینکه طرف و صاحب تکلیف و تکلف باشد .

ویژگیهای حقوق مربوط به **شخصیت** عبارتند از:

- ✓ به وراثت منتقل نمی شوند و جزء دارایی به شمار نمی آیند.
- ✓ قابل توقیف به وسیله بستانکاران نیستند.
- ✓ مرور زمان نسبت به این حقوق جاری نمی شود.
- ✓ این حقوق نمی توانند موضوع قرارداد واقع شوند و قابل انتقال و اسقاط نیستند.

حقوق مربوط به شخصیت با حقوق بشر مترادف نیست بعضی از حقوق بشر مالی است که نمی توان آنها را از حقوق مربوط به شخصیت دانست زیرا حقوق مربوط به شخصیت، شخصی و غیرمالی هستند و برخی از این حقوق، اساسی نیستند حال آنکه حقوق بشر حقوق اساسی محسوب می شود و همچنین حقوق بشر اساساً از حقوق عمومی است ولی در حقوق مربوط به شخصیت روابط حقوق خصوصی مطرح است.

حق تمتع و حق اجرای مدنی از حقوق مربوط به **شخصیت** است و از این رو سلب آن ممنوع است .

وضعیت در حقوق مدنی یا وضعیت مدنی عبارت است از وضع حقوقی اشخاص در روابط حقوق خصوصی و به ویژه روابط خانوادگی .

وضعیت به معنای عام ، وضع حقوقی شخص و موقع او نسبت به حقوقی است که می تواند در جامعه داشته باشد .

اوصافی **وضعیت** شخص را تشکیل می دهد که جزء شخصیت انسان بوده و جنبه مالی و اقتصادی نداشته باشد . اوصاف و امتیازات مالی شخص خارج از وضعیت است .

احوال شخصیه اوصافی است که مربوط به شخص است صرف نظر از شغل و مقام خاص او در اجتماع، و قابل تقویم و مبادله با پول نبوده از لحاظ حقوق مدنی آثاری بر آن مترتب است.

احوال عینیه گاهی در مقابل **احوال شخصیه** به کار می رود و اوصافی است که با مسائل مالی مرتبط است.

احوال شخصیه از نظر قانون اساسی شامل ازدواج، طلاق، ارث و وصیت است.

اهلیت و حجر جزء **احوال شخصیه** است و در مورد بیگانگان دولت متبوع آنان بر این موضوع حاکم خواهد بود .

در مورد مسلمانان غیرشیعه و اقلیتهای دینی اهلیت و حجر در قانون اساسی جزء **احوال شخصیه** به شمار نیامده است و اهلیت و حجر همه ایرانیان، تابع قواعد عمومی مندرج در قانون مدنی می باشد .

در اصطلاح حقوقی **اهلیت** به معنی عام به توانایی و شایستگی شخص برای دارا شدن و اجرای حق گفته می‌شود .
توانایی و شایستگی قانونی شخص برای دارا شدن حق را **اهلیت تمتع** می‌نامند.
اهلیت نتیجه وضعیت است .

به اهلیت دار شدن حق در حقوق ایران **اهلیت استیفاء یا اهلیت تصرف** نیز می‌گویند.
مقصود از **حقوق مدنی** حقوقی است که در روابط مردم با یکدیگر قطع نظر از شغل ، مقام و عنوان خاص آنها در اجتماع مطرح است مانند حق مالکیت و ...

یک شخص فقط دارای یک دارایی است که این **اصل وحدت و تجزیه‌ناپذیری دارایی** است. دارایی مانند شخصیت واحد و تجزیه‌ناپذیر است و از آن نتیجه می‌گیرند که مجموعه اموال و حقوق مالی شخص اصولاً جواب گوی مجموع بدهی‌های اوست. و به تعبیر دیگر می‌گویند بستانکاری عادی حق وثیقه کلی نسبت به اموال بدهکار دارند.
دارایی به توانایی و ظرفیت دارا شدن حقوق و تکالیف مالی گفته می‌شود که اموال و دیون از اجزاء تشکیل‌دهنده آن می‌باشند و حقوق و تکالیف غیرمالی را شامل نمی‌شود.

از نظر حقوقی **دارایی** ظرفی است که ممکن است محتوایی نداشته یا محتوای آن فقط بدهی باشد.
یکی از آزادی‌های اساسی انسان **آزادی انتخاب شغل** است . آزادی انتخاب شغل در واقع لازمه شخصیت انسان است و بدین جهت خدمت مادام‌العمر در قانون منع شده است .

استهلال (صدای گریه نوزاد بعد از به دنیا آمدن) ، تنفس ، عطسه کردن و یا باز کردن دهان و ... نشانه‌هایی از حیات هستند که ممکن است با شهادت شهود و یا نظریه کارشناس اثبات گردند و محدودیتی از لحاظ دلیل در حقوق امروز وجود ندارد و **هر یک از ادله اثبات دعوی** در این خصوص قابل استفاده است.

استصحاب در اصطلاح علم اصول به رعایت و عمل کردن به یقین سابق در صورت شک و تردید در ادامه و بقای آن گفته می‌شود .
در مورد **لعان** ، اقرار به نسب و صدور حکم سرپرستی برای اطفال بی سرپرست ، اداره ثبت مکلف است مفاد حکم صادره از محکمه صالحه را رعایت نموده و نسبت به تغییر نام خانوادگی با درج توضیحات در حاشیه سند اقدام نماید.
اقامتگاه یک امر فرضی و قانونی است یعنی محلی است که شخص به حکم قانون در آنجا فرض می‌شود اگرچه در آن محل حضور نداشته باشد بنابراین سکنی و حضور مادی شرط اقامتگاه نیست .

هیچکس نمی‌تواند بیش از **یک اقامتگاه** داشته باشد . (ماده ۱۰۰۳ قانون مدنی)

در حقوق ایران و فرانسه ، اقامتگاه شخص **مرکز مهم امور اوست**.

مرکز مهم امور شخص که اصولاً مرکز سکنای شخص **مرکز مهم امور و اقامتگاه او فرض می‌شود** مگر اینکه خلاف آن ثابت شود .
ماده ۵۹۰ قانون تجارت مقرر می‌دارد **اقامتگاه شخص حقوقی** محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجاست .